



بررسی تئوری ارزیابی محیطی در محله کوی امام اصفهان

محمود شکوهی دولت آبادی*

۱- استادیار طراحی شهری دانشگاه هنر اصفهان، m.shokuhi@aui.ac.ir

چکیده

روانشناسی محیطی علمی است که به تنظیم رابطه دیالکتیکی میان انسان و محیط می پردازد. در این رابطه میان انسان و محیط معانی و احساس هایی که از محیط در ذهن انسان شکل می گیرد دارای اهمیت است. یکی از تئوری های روانشناسی محیطی که به این موضوع می پردازد، تئوری ارزیابی محیطی است؛ این تئوری هشت متغیر شامل خوشایندی، آرامش، هیجان انگیز و تحریک کنندگی به عنوان ویژگی های مثبت محیط و ناخوشایندی، بی روح، کسل کنندگی و اضطراب به عنوان ویژگی های منفی محیط معرفی می کند. هدف از این پژوهش بررسی متغیرهای تئوری ارزیابی محیطی در محله کوی امام اصفهان است. در راستای هدف مشخص شده سوال پژوهش این است کدام بخش های محله کوی امام ویژگی های مثبت و کدام بخش های محله ویژگی های منفی متغیرهای ارزیابی محیطی را دارد و در پی آن چه دلایلی باعث به وجد آمدن آنها شده است. روش استفاده توصیفی-تحلیلی و جامعه آماری، ساکنین محله کوی امام بوده اند. در پایان مشخص شد که عوامل موثر بر متغیرهای تئوری ارزیابی محیطی در محله کوی امام به دو بخش محیطی (کاربری زمین، پوشش گیاهی، نور پردازی و نظایر اینها) و اجتماعی (گروه های اجتماعی، الگوهای رفتاری، تعاملات اجتماعی و نظایر اینها) قابل تقسیم بندی است.

واژگان کلیدی: روانشناسی محیطی، تئوری ارزیابی محیطی، محله کوی امام





۱- مقدمه

اگر از شما بخواهند که یک مکان مورد علاقه‌تان را نام ببرید، آن را چگونه انتخاب می‌کنید؟ ممکن است اول به یاد خانه‌تان بیفتید یا بر عکس به یاد مکانی دور که ایده‌آل شخصی شما را نشان می‌دهد. ممکن است به مکانی فکر کنید که زیبایی طبیعی فوق‌العاده‌ای دارد یا به محلی زیبا در شهر و یا به مکانی که ممکن است به ظاهر خیلی هم خاص نباشد. شاید عده معدود دیگری هم جذابیت آن را درک کنند اما این مکان به شخص شما احساس خوبی می‌دهد.

چه بتوانیم مکان محبوب خود را انتخاب کنیم و چه نتوانیم، این سؤال به یاد ما می‌آورد که چه قدر محیط اطراف بر ما تأثیر می‌گذارد. هر مکانی که به ذهن ما می‌رسد مجموعه‌ای از خصوصیات و تأثیرات را در بر دارد که هم ریشه در کیفیت‌های عینی دارد و هم ذهنی. مکان‌ها همان‌طور که می‌توانند به ما احساس خوبی بدهند می‌توانند احساس ناخوشایندی بدهند و یا این که در مجموع تأثیر اندکی بر ما داشته باشند. اما سؤال این است که احساس ما تا چه حد به ویژگی‌های یک مکان وابسته‌اند؟ بدون شک ارزیابی نحوه ارتباط ما با فضاها و نقشی که این فضاها در تجارب ما بازی می‌کنند اهمیت زیادی دارد. محیط ما، به نحوه زیستن و به احساس ما شکل می‌دهد [۱].

سؤالی که در مورد «مکان محبوب» پرسیده شد ما را به قلب مفهومی دیگر هدایت می‌کند: «معنای مکان». این مفهوم به لایه‌های معنایی متنوعی اشاره دارد که ما به مکان‌ها نسبت می‌دهیم و در حیطه علوم روانشناسی محیطی قرار می‌گیرد. به زبان ساده تر هدف روان‌شناسی محیطی تشخیص حالت‌های گوناگون تأثیر محیط بر مردم و مردم بر محیط است. یکی از تئوریهای روانشناسی محیطی که همین معنای محیطی را مورد بررسی قرار می‌دهد، تئوری ارزیابی محیطی است که توسط اسنادگراس^۱ و راسل^۲ پایه‌گذاری شده است. در این مقاله هدف بررسی متغیرهای تئوری ارزیابی محیطی در محله کوی امام است. برای رسیدن به این هدف از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده و ساکنین محله مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. در نهایت بر اساس مطالعه ساکنین وضعیت متغیرهای این تئوری در محله کوی امام اصفهان مشخص شده است.

۲- مبانی نظری پژوهش

معنای مکان یکی از حوزه‌های اصلی مطالعات در رشته روان‌شناسی محیطی است؛ شاخه‌ای از روان‌شناسی که اگر به اجمال بگوییم، عمدتاً به بررسی فصل مشترک میان رفتار انسانی و محیط زیست اجتماعی او می‌پردازد. این فصل مشترک طی فرآیندهای روانشناختی ادراک^۳ و شناختی^۴ محیطی شکل می‌گیرد. هنگامی که انسان در محیط قرار می‌گیرد از طریق اندام‌های حسی پیام‌هایی را از محیط دریافت می‌کند و آن را از طریق رشته‌های عصبی به مغز منتقل کرده. این پیام‌ها در مغز به صورت تصویر تبدیل می‌شود.

1 - Snodgrass
2 - Russell
3 - Perception
4 - Cognition





طبق تئوری گشتالت هنگامی که انسان وارد محیطی تازه می شود کلیات محیط و پس از تماس های بعدی و تکرار این تماس با محیط جزئیات را دریافت می کند و رفته رفته تصویر ذهنی^۵ تکمیل می شود. سپس طی فرآیندهای روان شناختی بعدی ارتباط بین این تصاویر تشکیل و طرحواره^۶ ذهنی ارزش گذاری شده از منظر شهری در ذهن انسان شکل می گیرد که از آن به عنوان تصویر ذهنی یاد می شود. این تصویر ذهنی پایه و اساس هرگونه کنش و واکنش میان انسان و محیط شهری خواهد بود که نحوه تشکیل آن از فرآیندهای روان شناختی عبور می کند. این فرآیند شامل سه مرحله اصلی: ۱- احساس ۲- ادراک ۳- شناخت است [۲] و [۳] و [۴] و [۵].

منظور از احساس، نحوه تعامل و رد و بدل شدن اطلاعات میان انسان و محیط می باشد؛ همانطور که بیان شد از طریق حواس پنج گانه انسان انجام می شود. در مرحله بعد اطلاعات دریافتی از محیط سازمان دهی و تفسیر می شوند که این مرحله ادراک نام دارد. در این مرحله اطلاعات دریافتی مورد بررسی و شناسایی قرار می گیرند [۶].

شناخت مانند دو مرحله قبل (احساس - ادراک) نیز یک فرآیند ذهنی است که جنبه های مشخصی دارد. در واقع مرحله احساس و ادراک بیشتر بصری است و ذهن انسان چندان درگیر نشده ولی مرحله شناخت ذهن انسان درگیر شده و بیشتر موضوعی ذهنی است تا بصری.

در تصویرسازی ذهنی و تشکیل معنا از محیط های شهری روند انجام کار به گونه ای است که منطبق بر مراحل روان شناختی (احساس، ادراک، شناخت) است و در هر مرحله محصول هر فرآیند در ارتباط با محیط های شهری متفاوت است. بعد از آنکه محیط شهری (فرم شهری) اطلاعات خود را در اختیار انسان قرار داد و منظر شهری توسط انسان مورد ادراک قرار گرفت نوبت به شکل گیری تصویر ذهنی می رسد.

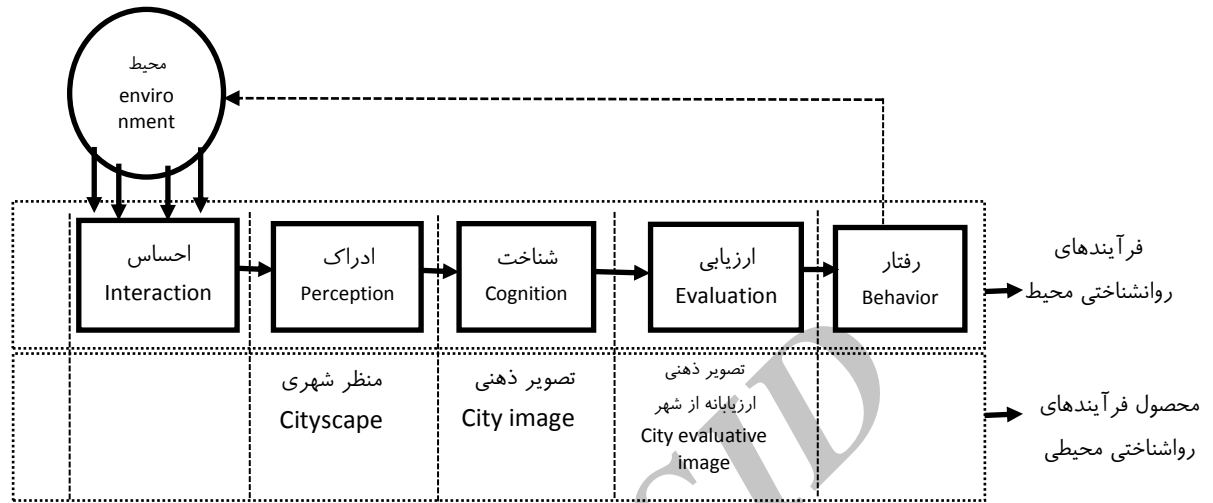
انسان دانسته های دریافتی از محیط (که توسط حواس پنج گانه دریافت شده است) را در ذهن منظم کرده و علاوه بر اجزای محیط نظم یا رابطه میان آن ها را نیز در ذهن خود به تصویر کشیده و به آن معنا می بخشد. برای اینکه محیط ایجاد تصویر کند باید نقش انگیزی^۷ داشته باشد. در ارتباط با نقش انگیزی سه مفهوم اهمیت پیدا می کند: ۱- هویت: صفتی که یک شیء را از دیگر اشیاء متمایز می کند. ۲- ساختار: ارتباط فضایی، کالبدی میان عناصر و عناصر با بیننده. ۳- معنا پاره ای از معانی اعم از معانی خاص یا احساس [۴].

⁵ - Image

⁶ - Schema

⁷ - Imagability





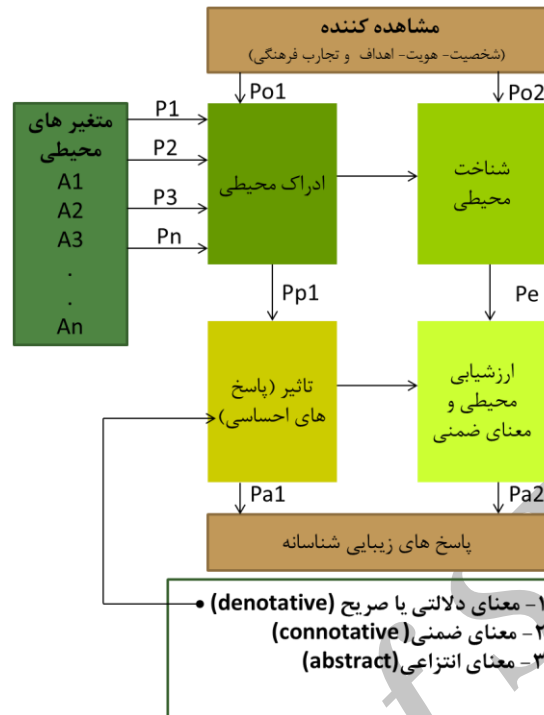
شکل ۱: فرآیند ادراک و شناخت محیط . نگارنده بر اساس [۷]

در این راستا نسر^۸ بیان می‌کند: (تصویر ذهنی ارزیابانه یک ساختار روان‌شناسانه را ارائه می‌دهد که شامل سنجش‌های ذهنی احساسات درباره محیط می‌باشد؛ بدین معنا که تصویر ارزیابانه شامل دو متغیر می‌شود: جنبه‌های فیزیکی شهر و واکنش‌های ارزیابانه انسانی [5].

میلر^۹ (روانشناس محیطی) نمودار فرآیند شناخت را با احساس‌های انسان به محیط (که همان معنای مطرح شده توسط لینچ است) ترکیب کرده و به‌گونه‌ای متفاوت ولی با همان ساختار بیان می‌کند. وی محیط را به‌عنوان ارسال‌کننده اطلاعات می‌داند و بیان می‌کند این اطلاعات در غالب متغیرهای مختلف از سمت محیط به سمت انسان ارسال می‌گردد و انسان بر اساس شخصیت، هویت، اهداف، تجارب و ارزش‌ها در مرحله اول این اطلاعات را ادراک می‌کند [به نقل از 5].

⁸ - Nasar

⁹ - Miller



شکل ۲: مدل ادراک محیطی دیوید میلر [5].

در مراحل ابتدائی این فرآیند (ادراک محیطی) انسان یک واکنش ابتدای نسبت به محیط نشان می‌دهد که به آن انتخاب مقدماتی می‌گویند که نسبت به ویژگی‌های عادی و آشکار محیطی (مانند شکل ظاهری، نسبت‌ها، ریتم، مقیاس، رنگ، روشنایی، هندسه، سلسله‌مراتب، پیچیدگی بصری، تازگی، نظم و نظایر این‌ها) اتفاق می‌افتد [۸] این انتخاب مقدماتی را میلر پاسخ‌های احساسی می‌نامد. در واقع مدل میلر ترکیبی از فرآیندهای شناختی و احساسی انسان نسبت به محیط وجود دارد که بخش احساسی (یا همان معانی مدنظر لینچ) با دسته‌بندی راپاپورت^{۱۰} از انواع معانی، بهتر قابل تفسیر است. راپاپورت معنا را در سه سطح دسته‌بندی می‌کند:

- معانی صریح یا دلالتی: پایین‌ترین سطح معنا که با درک موضوع مطابقت دارد مانند شناخت محیطی یک خیابان به‌عنوان یک محور تجاری.
- معانی ضمنی: سطح متوسط معنا است که بیانگر ارزش‌های حسی است مانند قضاوت یا استنباط در مورد محور تجاری مثلاً کیفیت آرامش یا هیجان یک محور تجاری.
- معانی انتزاعی: سطح بالای معنا است که بر اساس کیهان‌شناختی، چارچوب کلی فرهنگی، جهان‌بینی و دستگاه‌های فلسفی و نقد‌گرایی به وجود می‌آید.

از بین سه سطح معنا، معانی ضمنی اهمیت دارد، زیرا این سطح معنا است که بر رفتار شهروندان اثر می‌گذارد و در حیطه وظایف طراحی شهری و روانشناسی محیطی قرار می‌گیرد [۹]. در مدل میلر معانی ضمنی در بخش شناخت محیطی شکل

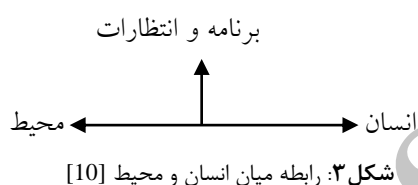
¹⁰ - Rappaport



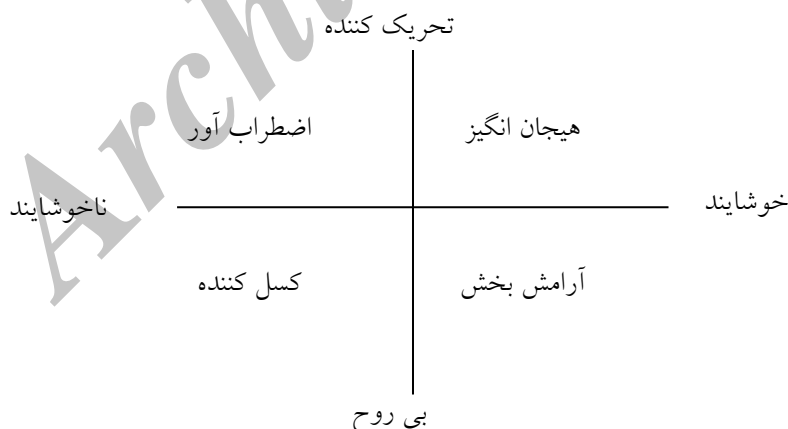
می‌گیرد. بنا بر مطالب ارائه‌شده می‌توان گفت افرادی مانند میلر و نسر بیشتر تأکید بر بخش معانی شکل گرفته از محیط در ذهن شهروندان دارند.

۳- تعریف متغیرها

طبق شکل (۱) بین انسان و محیط یک رابطه دیالکتیکی وجود دارد که طبق تحقیقات راسل در «ارزیابی محیط توسط انسان»، بیشتر از آن که محیط بر این رابطه مؤثر باشد برنامه‌ها و انتظارات انسان (از طریق فکر کردن، انجام دادن و احساس کردن) مؤثر می‌باشد. مثلاً هنگامی که شخص قصد انجام کاری را دارد اگر به خواسته خود برسد خوشحال خواهد شد و اگر نرسد ناراحت، بنابراین خواسته‌ها و انتظارات وی بیشتر بر وی مؤثر است تا محیط.



اما اگر نظر راسل را با مطالعات گهل^{۱۱} [۱۱] و دسته بندی وی از فعالیت های انسانی مقایسه کنیم می‌توان گفت هنگامی که انسان در حال انجام فعالیت اجباری هست بیشتر برنامه‌ها و انتظارات وی بر ارزیابی محیط مؤثر است و هنگامی که انسان در حال انجام فعالیت اختیاری و اجتماعی، ویژگی های محیط بر این ارزیابی مؤثر است.^{۱۲} راسل بر اساس مطالب بیان شده مدلی را برای ارزیابی محیط با طیفی از معانی ضمنی را ارائه می‌دهد. طیف ارائه شده توسط راسل به ترتیب شامل کسل کننده، بی روح، آرامش، هیجان، تحریک کننده، اضطراب آور است که معانی چون آرامش، هیجان و تحریک کننده در بخش خوشایند و اضطراب آور، کسل کننده و بی روح در بخش ناخوشایند قرار می‌گیرند.



شکل ۴: نمودار متغیرهای تئوری ارزیابی محیطی راسل (مأخذ: Snodgrass and Russell, 1986 به نقل از [5])

^{۱۱} - Gehl

^{۱۲} - از آن جایی که حیطه وظایف طراحی شهری و روانشناسی محیطی بررسی محیط است نه انسان بنابراین این پژوهش جنبه های محیطی مؤثر بر معنای محیطی را بررسی می‌کند و جنبه های انسانی (برنامه‌ای از انتظارات و خواسته‌ها) در حیطه مطالعات روانشناسان اجتماعی است.



۴- روش پژوهش

با توجه به آنکه این مطالعات در گذشته توسط دیگر اندیشمندان انجام شده است به مانند آنها روش مورد استفاده توصیفی-تحلیلی بوده و ابزار جمع آوری داده پرسش نامه های نیم ساخت یافته با سوال های باز بوده اند. بر اساس تعاریف هر یک از متغیرهای هشت گانه، تعریف عملیاتی مشخص و بر اساس این تعاریف عملیاتی هشت سوال که بیانگر متغیرهای تئوری ارزیابی محیطی تنظیم شد. سوال ها با متخصصان روانشناسی محیطی، طراحان شهری و جامعه شناسی شهری مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت در یک پیش آزمون از مردم محله مورد بررسی نهایی قرار گرفت تا مشخص شود که سوال ها متغیرهای مورد نظر را مورد بررسی قرار دهند و از طرف دیگر برای ساکنین قابل فهم باشند. به مانند آنچه که راسل و اسنادگراس در مطالعات ونکور و متعاقب آن هانیو در توکیو و کلمبوس [به نقل از 5] انجام داده اند، از مردم محله کوی امام خواسته شد بر اساس سوال های طراحی شده، مشخص کنند کدام از بخش های محله شان برای آنها آرامش بخش، خوشایند، هیجان انگیز، تحریک کننده، اضطراب آور، ناخوشایند، کسل کننده و بی روح است؛ و در مرحله بعد از آنها خواسته شد دلایل خود را ذکر کنند. در ادامه پاسخ مصاحبه شوندهگان روند مصاحبه را هدایت کرد و پژوهشگر با توجه به مبانی نظری شناخته شده، به گونه ای سوالات بعدی را مطرح می کرد که به تاثیر عوامل بر احساسات مرتبط با متغیرهای تئوری ارزیابی محیطی پی ببرد؛ بر همین اساس مصاحبه ها بین نیم ساعت الی دو ساعت به صورت انفرادی و گروهی (حداکثر تا ۳ نفر) انجام شدند. لازم به ذکر است کسب اجازه برای ضبط مصاحبه ها، رضایتمندی آگاهانه، محفوظ بودن نام مصاحبه شوندهگان و اطلاعات شخصی آنها، تعهدات اخلاقی و حق کناره گیری در زمان دلخواه برای مصاحبه شوندهگان رعایت شده است. علاوه بر سوالات مربوط به معانی محیطی، اطلاعات فردی همچون سن، جنس، پایه تحصیلی و شغل نیز از مصاحبه شوندهگان پرسیده شده است.

۴-۱ نمونه گیری و حجم نمونه

طبق مبانی نظری شناخته شده، افراد مورد مصاحبه بایستی دارای ویژگی های خاص باشند؛ این ویژگی ها به شرح زیر است: بالای ۱۵ سال؛ حداقل دو سال سکونت در محله (برای افراد ساکن) برای داشتن احساسات مد نظر پژوهش؛ حالات روحی تقریباً خنثی (نه خیلی خوشحال و سرمست و نه خیلی ناراحت و غمگین). بنابراین به دلیل آنکه بایستی افراد مصاحبه شونده دارای ویژگی های خاصی باشند، روش نمونه گیری به صورت هدفمند بوده است. اما معیار انتخاب حجم نمونه در این قسمت از پژوهش، همان غنای داده ها است. انجام مصاحبه ها تا جایی ادامه پیدا کرد که یافته جدیدی اضافه نشد؛ بر همین اساس در محدوده مورد بررسی ۶۵ نفر از ساکنین مورد مطالعه قرار گرفتند.

۵- بحث و نتیجه گیری

طبق مبانی نظری ارائه شده، هنگامی که انسان در محیطی قرار می گیرد، آن محیط را ارزیابی کرده و بر اساس ویژگی های مثبت و منفی آن محیط پاسخ احساسی مثبت یا منفی می دهد، درواقع متغیرهای تئوری ارزیابی محیطی همان پاسخ های احساسی مردم نسبت به محیط است. در ابتدا بر اساس سوال طراحی شده، محله توسط ساکنین مورد ارزیابی قرار گرفت؛ به همین منظور از آنها خواسته شد مشخص کنند کدام بخش های محله احساس هر یک از متغیرهای ارزیابی محیطی را برای آنها ایجاد می کنند. با توجه به اینکه به کدام بخش های محله بیشترین احساسات احساسی انجام شده است، نقشه

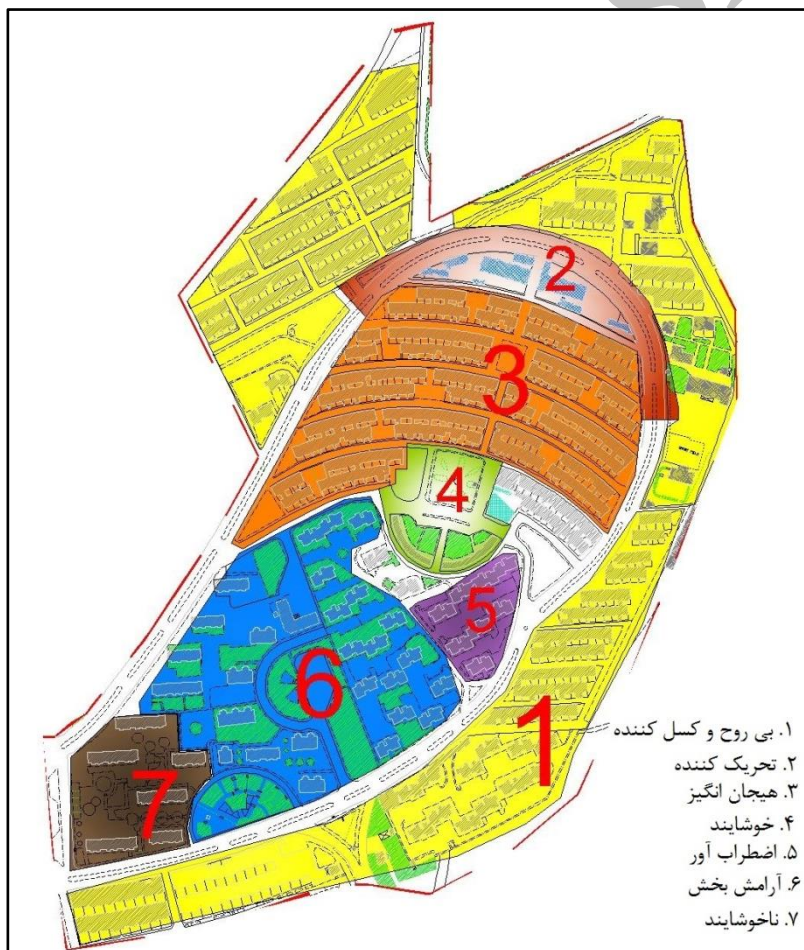




شکل (۵) بدست آمد.

جدول ۱: تعداد ارجاعات ساکنین به بخش های مختلف محله برای متغیرهای ارزیابی محیطی

درصد	تعداد ارجاعات	متغیرهای ارزیابی محیطی
۶۹	۳۵	آرامش بخش
۸۷	۶۰	رضایت بخش
۵۱	۳۵	هیجان انگیز
۴۳	۳۰	تحریک کننده
۴۱	۲۷	اضطراب آور
۷۷	۵۰	بی روح و کسل کننده
۶۶	۴۳	ناخوشایند



شکل ۵: وضعیت متغیرهای تئوری ارزیابی محیطی در محله کوی امام

در مرحله بعدی از آنها خواسته شد دلایل خود را برای هر یک از این احساس ها بیان نمایند. دلایل ذکر شده توسط



ساکنین را می توان به دو بخش فاکتورهای محیطی (مانند پوشش گیاهی، نورپردازی، کاربری زمین و نظایر اینها) و انسانی (شرایط فرهنگی، الگوهای رفتاری، گروه های اجتماعی و نظایر اینها) تقسیم کرد. نتایج این بخش در جدول (۲) به صورت خلاصه ارائه شده است.

جدول ۲: دلایل ساکنین برای احساس های آنها نسبت به متغیرهای تئوری ارزیابی محیطی در محدوده مورد مطالعه

متغیر های ارزیابی محیطی	دلایل احساس افراد نسبت به محیط	
احساس های مثبت	خوشایند (۴)	محیطی - کاربری های تفریحی محله در اینجاست. - فضای باز دلنشین دارد. - مایحتاج روزانه ام اینجا برطرف می شود.
	آرامش بخش (۶)	اجتماعی - مردم دور هم جمع می شوند. - دوستانم را اینجا می بینم. هم محله ایهایم را اینجا می بینم.
	هیجان انگیز (۳)	محیطی - حرکت خودرو وجود ندارد. - درختان سرسبز بسیار زیبا وجود دارد که آرامش بخش هستند.
		اجتماعی -
		محیطی - فضاهای پی در پی وجود دارد که هر کدام با دیگری متفاوت است و هیجان کشف فضا را ایجاد می کند.
		اجتماعی -
		محیطی - با حرکت در طول مسیر، فضاهایی وجود دارد که از دید پنهان است و انسان را ترغیب به دیدن آن فضا می کند.
احساس های منفی	ناخوشایند (۷)	اجتماعی - غریبه ها در این مسیر می بینم که برایم جالب است.
	بی روح و کسل کننده (۱)	محیطی - اینجا در کنار خیابان اصلی است که سر و صدای ماشین ها اذیت می کند. - فضاهای خشک و بدون درخت وجود دارد که آزار دهنده است. - یک زیر گذر پیاده وجود دارد که در آن احساس ناامنی می کنم.
	اضطراب آور (۵)	اجتماعی - غریبه ها در لبه خیابان اصلی جمع می شوند که گاهی اوقات رفتار آنها اذیت کننده است.
		محیطی - شکل ساختمانها خیلی شبیه هم هستند که کسل کننده می شود. - درخت وجود ندارد. - نورپردازی مناسب نیست.
		اجتماعی - کسی تو کوچه ها و مسیرها نیست.
		محیطی - فضاهای بین آپارتمانها به گونه ای است که آدم نمی دونه کجاست، احساس ترس به من دست می دهد. - معمولا تا به این نقطه از محله می رسم به طور ناگهانی مسیر را گم می کنم.
		اجتماعی - آدم های غریبه و آدم های ناجور محله معمولا تو فضاهای این قسمت محله جمع می شوند.

❖ اعداد در جدول نشانگر محل آنها در نقشه شکل شماره (۵) می باشد.

جدول (۲) نشان می دهد در محله کوی امام در قسمت شماره (۴) یعنی مرکز محله، به دلیل آنکه دارای فضای باز است و تعادل میان توده و فضا برقرار است، برای ساکنین محله خوشایند بوده؛ همچنین کاربری های مقیاس محله که برای رفع نیازهای هفتگی و روزانه در مرکز محله وجود دارد و فضای باز کنار آنها باعث شده مردم در آنجا کنار هم جمع شوند و تجربه دیدن و دیده شدن را حس کنند به همین منظور مرکز محله برای ساکنین کوی امام خوشایند است.

در قسمت شماره (۶) به دلیل آنکه مسیرها تنها برای دسترسی به پلاک های مسکونی بوده و حالت عبوری برای خودروها ندارد، باعث کاهش سر و صدا شده و همچنین وجود درختان انبوه و نورپردازی مناسب حس آرامش را برای ساکنین محله در این قسمت به وجود آورده است.



در قسمت شماره (۳) محله که بافت مسکونی و دارای نظم پیچیده در سازماندهی شبکه ارتباطی و بلوک ها می باشد، باعث شده فضاهایی به وجود آید که حس کشف فضا را برای ساکنین به وجود آورد و همین امر منجر به فضاهای هیجان انگیز شده است. اما در قسمت شماره (۲) به عنوان محور اصلی محله است و دورتا دور محله عبور می کند به دلیل منحنی بودن مسیر مدام تغییر دید در مسیر به وجود می آورد که همین امر باعث شده افراد را برای دنبال کردن این تغییر دید تحریک کنند و در اصل فضایی تحریک کننده برای ساکنین محله به وجود آورده است.

در قسمت (۷) به سه دلیل عدم سبزینگی، وجود فضاهای ترس آور و سر و صدای اتومبیل باعث شده محدوده ای ناخوشایند را برای ساکنین به وجود آورد. در قسمت های شماره (۱) محدوده هایی است که پلاک های مسکونی است و در حاشیه محله وجود دارد. در این قسمت تیپ ساخت یکسان وجود دارد و محدوده های تقریبا وسیع و دارای منظر یکسان و یکدست است که باعث کسل کننده برای ساکنین بوده و به دلیل اینکه کاربری جاذب وجود نداشته به ندرت کسی عبور می کند؛ همچنین نبود درخت و نورپردازی مناسب باعث ایجاد فضاهای بی روح شده است.

اگر متغیرهای تئوری ارزیابی محیطی را به دو بخش مثبت و منفی تقسیم بندی کنیم، عوامل محیطی که باعث احساس های آرامش، خوشایند، هیجان انگیز و تحریک کنندگی (احساس های مثبت) در محله بررسی شده اند بایستی حفظ و عوامل که باعث ایجاد بی روحی، کسل کنندگی، ناخوشایندی و اضطراب آوری شده اند بر طرف شوند. لازم به ذکر است این عوامل در جدول (۲) ذکر شده اند.

Archive of SID





مراجع

- [۱]: لو، اریکا: "قدرت مکان: کاربرد روان‌شناسی محیط در برنامه‌ریزی شهری" / <http://tanravanfarhang.ir/1395/05/05>
- [۲] پاکزاد، جهان‌شاه: الفبای روانشناسی برای طراحان، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ویرایش اول، ۱۳۹۱.
- [۳] گروتز، یورگ کورت: زیبای‌شناسی در معماری، ترجمه جهان‌شاه پاکزاد، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ویرایش دوم، ۱۳۸۳.
- [۴] لینچ، کیوین: سیمای شهری، ترجمه منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ویرایش دوم، ۱۳۸۳.
- [5] Nasar, Jack.L: The evaluative image of the city. MIT press, New York, first edition, 1998.
- [۶] گنجی، حمزه: روانشناسی عمومی، انتشارات ساوالان، تهران، ۱۳۸۸.
- [۷] گلکار، کورش: آفرینش مکان پایدار، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ویرایش اول، ۱۳۹۰.
- [8] Kahneman, David: Thinking, Fast and Slow, Farrar Giroux & Strauss press, New York: 2011.
- [۹] راپاپورت، آموس: معنی محیط ساخته‌شده، ترجمه فرح حبیب. انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران، ۱۳۹۲.
- [10] - Snodgrass, J., Russell, J. and Ward, L. "PLANNING, MOOD, AND PLACE-LIKING" *Journal of Environmental Psychology*, 8, 209-222, 1988 .
- [۱۱] گهل، یان: چگونه زندگی همگانی را مطالعه کنیم، ترجمه مصطفی بهزادفر، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ویرایش اول، ۱۳۹۴.

